

بیانیه کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) به مناسبت شانزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

۱۶ سال پیش رژیم جمهوری اسلامی ایران، در پی سرکوب‌های اجنماعی، دستگیری، شکنجه و اعدام ده‌ها هزار تن از هواداران، اعضاء و کادرهای سازمان‌های سیاسی در سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰، دست به جنایت بزرگتری زد و طی دو ماه در تابستان ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی را که بیدادگاه‌های رژیم سال‌ها قبل به زندان محکوم کرده بودند، قتل عام کرد. گستردگی کشتار و مشاهدات جان به در بردگان از این فاجعه انسانی حاکی از آن است که رژیم طی این دو ماه هزاران زندانی سیاسی را به جوخه‌های اعدام سپرد.

شانزده سال از این فاجعه بزرگ انسانی و ۲۰ تا ۲۵ سال از اعدام‌های جمعی سال‌های اول دهه ۱۳۶۰ می‌گذرد. اما حکومت اسلامی هنوز در حاکمیت است و به جنایات خود در تمامی عرصه‌های اجنماعی ادامه می‌دهد. رژیم با ایجاد خفقان در جامعه مانع از آن شده که مردم ایران از جنایاتی که رژیم در زندان‌ها مرتکب شده، بویژه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ باخبر شوند. افکار عمومی جهانیان نیز علی‌رغم فعالیت‌های بی‌وقفه نیروهای سیاسی مخالف رژیم در خارج کشور، از ابعاد این فاجعه انسانی آگاه نیست. دولت‌های غربی که ادعا می‌کنند از حقوق بشر دفاع می‌کنند، به خاطر حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود در ایران، از پخش اخبار جنایات رژیم در رسانه‌ها و مطبوعات خودی جلوگیری به عمل می‌آورند و مانع از آگاهی مردم این جوامع از ماهیت و جنایات رژیم می‌شوند.

سرنوشت و زندگی مردم تنها از سوی جنایات کاران اسلامی حاکم بر ایران مورد تهدید و تخریب قرار نگرفته است. همه حکومت‌های سرمایه‌داری، بویژه از نوع استیلاگر و غربی آن، تا زمانی که با این رژیم رابطه دارند، به این مفهوم است که بر روی جنایات رژیم صحنه می‌گذارند. هیچ شقی دیگر حتی تحت عنوان "گفت‌وگویی انتقادی" قابل قبول نیست. رژیم تا آنجا که در توان داشته به جنایاتش ادامه داده است و حفظ رابطه تحت عنوان "گفت‌وگویی انتقادی" با این رژیم هیچ تاثیری بر اقدامات جنایتکارانه آن نداشته است و این فقط بهانه‌ای است برای ادامه رابطه و مماشات با یکی از جنایتکارترین رژیم‌های دوران حاضر.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در بحران عمیق سیاسی، اقتصادی، اجنماعی و حکومتی گرفتار آمده است و با یک تکان اجنماعی فرو می‌پاشد. این را همه دولت‌های استیلاگر غربی چه از نوع اروپائی و چه آمریکائی بخوبی می‌دانند. یکی می‌خواهد با نزدیکی به آن، از فروپاشی آن جلوگیری کند و دیگری می‌خواهد قبل از فروپاشی آن با وارد کردن ضربه بر آن، امور را به دست گیرد و از ضربه خوردن دستگاه‌های سرکوب رژیم جلوگیری نماید و با مردم ایران همان کنند که با مردم عراق کردند. و زندان‌های مخوف رژیم را یکی بعد از دیگری بازسازی کنند.

آیا مردم ایران ناچارند یکی از این دو گزینه را که به آن‌ها ارتباطی ندارند انتخاب کنند و یا شق سومی هم وجود دارد؟ به نظر می‌رسد مردم ایران به توانائی‌ها و قدرت جمعی خود پی نبرده‌اند. نوده مردم با توجه به توانائی‌هائی که دارد، می‌توانند و باید با تدارک قیام و اعتصاب سراسری و آمدن به خیابان‌ها شیرازه رژیم را از هم به پاشند و قدرت سیاسی را بلاواسطه کسب کنند. این بهترین و تنها گزینه برای توده‌های رنج‌کشیده مردم ایران است. در هر شرایطی غیر از این، مردم ایران شاهد بقای سازو کار زندان، شکنجه و اعدام به مثابه اصلی ترین ابزار سرکوب اجنماعی خواهند بود.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) در شانزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، یاد همه جان باختگان زندان‌های رژیم را گرامی می‌دارد.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

۴ شهریور ۱۳۸۳ برابر با ۲۵ اوت ۲۰۰۴